

آینه‌داری

رسول جعفریان

| ۸۱-۹۲ |





پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

● تاریخ رفاقت ما با استاد محمدعلی مهدوی‌راد، چند سالی بیش از تاریخ انتشار «آینه پژوهش» است که براساس قاعده دوماه انتشار (نخستین شماره آن در خرداد و تیر ۱۳۶۹) اکنون دویستمین شماره اش انتشار می‌یابد. بی‌تردید استاد مهدوی‌راد یکی از چهره‌های موفق حوزه قم است، از این زاویه که وقتی کاری را برعهده گرفته و در آن وارد شده است، اولاً از سرآگاهی و دانایی در آن گام نهاده است؛ ثانیاً از سرآزاده و استواری و استادانه‌کارش را پیش برده است. ایشان یک ویژگی دیگر هم دارد که سالها آن را در میدان عمل محقق کرده است و آن کار جمعی است؛ اینکه با گروه کار کند و تا آنجا که می‌تواند و باورها و عواطفش اجازه می‌دهد، همراه آنها پیش برود، و ویژگی مهم آقای مهدوی‌راد است. برای او فرقی نداشته است عضو گروهی باشد یا مدیر آن؛ در این بُعد هم تجربه موفق از خود برجای گذاشته است.

از اینها که بگذریم، آقای مهدوی‌راد دایره‌هایی از رفاقت در اطرافش دارد که بسا برخی این دایره‌ها با همدیگر آشنایی و نسبتی هم نداشته باشند و هر کدام کار خود را بکنند؛ اما ایشان بنا به تعهدی که دارد، کارش را در سایه این رفاقت پیش برده است. او هیچ اصراری بر ریاست خودش در مدیریت کار جمعی ندارد، و در هر جمعی باشد، هر آنچه به نظرش برسد، از جان و دل در کنار دیگری یا خودش در مقام مدیر انجام می‌دهد. اینها را عرض کردم تا بگوییم، بخش عمده دلیل تداوم یک نشریه در حد بیش از سی سال، به ویژگی‌ها و البته علم و اراده شخصی - و اینجا آقای مهدوی‌راد - بستگی دارد که محور و مدیر آن حوزه کاری است. در این میان آنچه به این فعالیت‌ها صورت حیاتی می‌بخشد، اخلاق علمی مدیر آن است. میان آنچه گفته شد، باید بر لفظ «رفاقت» تکیه ویژه‌ای کرد. چنان‌که گفتم، ایشان سلسله‌ای از رفقا را دارد که خودش نقش مهمی در حفظ و ادامه رفاقت با آنها دارد؛ حتی اگر در مواردی نگرانی‌هایی پیش آمده است، رفاقت و روحیات خاص وی در این زمینه، غالباً اجازه قطع پیوندها و بستگی‌ها را نداده است. طبیعی است وقتی شما میان کسانی هستید که در یک دایره فکری، علمی و تربیتی رفاقت دارید، هم‌زمان روحیه جمعی هم دارید، خودتان هم شرایط علمی و توان مدیریتی دارید، آن وقت فرصتی برای شروع یک کار و تداوم آن فراهم می‌شود و شما به آسانی می‌توانید بیش از سی سال آن را ادامه بدهید، بدون آنکه یک تنش جدی در مسیر پدید آمده باشد. ممکن است چند مدیر ارشد در مرکزی که شما نشریه‌تان را درمی‌آورید، تغییر کرده باشند؛ اما شما چنان‌که به کارتان علاقه مند هستید و آن را با دل بستگی ادامه می‌دهید که کار تداوم می‌یابد و با وجود سلايق مختلف، مشکلی پدید نمی‌آید. در این شرایط، مدیران با سلايق مختلف همچنان اصرار دارند شما کار را ادامه بدهید؛ کاری که می‌دانند اعتبار و آبروی خودشان نیز می‌باشد. این وضعیتی است که «آینه پژوهش» در آن شکل گرفته و تاکنون ادامه یافته است.

● در مسیر توسعه علم، هر علمی و در هر محیطی که باشد، نقاط عطفی وجود دارد که تنها برخی

قادر به شناخت درست و دقیق آن هستند؛ نقاط عطفی که متفاوت با مسیر عادی است و نوعی بزنگاه به شمار می‌آید. زمانی مشخص که نظامیه‌ها پدید آمدند، زمانی که حوزه علمیه قم یا دانشگاه تهران تأسیس گردید، همه اینها در مسیر ایجاد نهادهای آموزشی نقاط عطف به شمار می‌آیند. از نظر محتوای علمی گاه قرن‌ها پس از شکل‌گیری یک دانش، زمان رسیدن یک اثر علمی درجه یک در آن علم فراهم می‌آید که بسا تا قرن‌ها نظریات طرح شده در آن تسلط علمی خویش را حفظ کند. درست شدن یک مجله با عنوان «مکتب اسلام» در سال ۱۳۳۸ نیاز بود که وقتی به سابقه این بحث‌ها هم‌زمان با تربیت گروهی خاص متناسب با این زمینه‌های علمی می‌نگریم، گامی است که در یک بزنگاه به طور هوشیارانه برداشته شده است. این مسئله که به تدریج بر اهمیت آن افزوده شود یا در مقطعی دیگر نتواند به راه خود ادامه دهد، به مدیران، سطح علمی کار و شرایط علمی جامعه باز می‌گردد. همه اینها را عرض کردم که بگویم «آینه پژوهش» در مرحله‌ای در ایران پدید آمد که کسی باید اهمیت آن را درمی‌یافت؛ اینکه وقت این کار است و اگر درست درآید، جایگاه خود را خواهد داشت و اگر درست اداره شود، تاده‌ها سال ادامه خواهد یافت. درک این بزنگاه‌ها اگر هم‌زمان با «توانایی» و «حمایت» عمدتاً مالی و مدیریتی شود، معمولاً منجر به ایجاد تحول می‌شود. سال‌هایی که از پیش از آن ما به یاد داریم، چنین بود که نشریه‌ای مانند «راهنمای کتاب» در دو دهه پیش از انقلاب منتشر می‌شد و در جریان تحولات زمانه، بعد از یک دوره درخشش، خاموش گردیده بود. بعد از آن «نشر دانش» آمد و خط جدیدی را در فضای تازه برعهده گرفت؛ نشریه‌ای قوی و نیرومند که در یک مقطع حرف اول را در حوزه نقد کتاب می‌زد. درست در همین زمان، این پرسش و نیاز طرح شد که نوشته‌های دینی کجا نقد و بررسی شود؟ این زمان که انبوهی از تألیفات دینی در قم و شهرهای دیگر انتشار می‌یابد، کجا و چگونه باید ارزیابی شود. برخی از این آثار مفتضح هستند و جایی باید یادآور شد تا به نام دین آثار ضعیف انتشار نیابد. سیل کتاب‌های عربی هم به تدریج وارد ایران می‌شد و تفاوت کارهای ایرانی و عربی روشن بود و عده‌ای تلاش می‌کردند سطح کارهای فارسی را بهتر کنند. به هر حال نیاز به مجله‌ای در نقد کتاب دینی و علوم مرتبط در این بزنگاه، چیزی بود که استاد مهدوی‌راد و دوستانش اهمیت آن را دریافتند. از این پس موضوعاتی که به ذهن می‌آمد؛ ولی جای نشر نداشت؛ یعنی همین حوزه نقد کتاب و دانش رایج دینی و مقالاتی که نوشته می‌شد؛ اما به اجبار در مجلاتی دیگر منتشر می‌شد، می‌توانست در نشریه جدید منتشر شود. این کار در سال ۱۳۶۹ هم‌زمان با نفس تازه‌ای که جامعه برای تحول می‌کشید، آن هم بعد از یک جنگ هشت‌ساله که اوضاع کمی آرام شده و سخن از «سازندگی» بود، آغاز شد. این نقطه بزنگاه با توانایی آقای مهدوی‌راد و جماعتی از رفقای او بعد از تجربه طولانی او در مجله «حوزه» آغاز شد. ایشان برای مجله جدید وقت گذاشت، همت کرد، حمایت شد و این کار سترگ آغاز گردید؛ اما ادامه آن، همچنان به دلیل این است که آن نیاز همچنان وجود دارد و مدیریت هم با همان شیوه و در همان چارچوب ادامه یافته است. اگر جز

این بود، مانند بسیاری از مجلات دیگر که حتی زمانی در اوج بودند، تعطیل یا بی‌رنگ شده بود. این نمونه‌ها کم نیستند.

● شما می‌توانید انبوهی محتوای علمی در حوزه‌ای که علاقه‌مند هستید، مثلاً دین یا علوم تجربی یا هر حوزه دیگری تولید کنید؛ در اینجا به ویژه علوم دینی و انسانی و اجتماعی مورد توجه ماست. ده‌ها مجله و صدها کتاب در حوزه دانش و موضوع مورد نظرتان نشر دهید؛ مهم در پیشرفت کار علمی شما، این است که این محتوا مورد توجه انتقادی دیگران قرار گیرد، دیگران روی آن حساس باشند، درباره نظریات شما بحث کنند و در میدان عمل به کار گیرند. کار شما در پژوهش‌های بعدی تأثیر می‌گذارد و کسانی که گام‌های بعدی را برمی‌دارند، ناظر به مطالب شما آن دانش را پیش می‌برند. اگر این توجه نباشد، یا به دلیل بی‌ارزش بودن کار شما یا بی‌توجهی دیگران و جلب نکردن توجه آنان، آن وقت هر کسی کار خودش را انجام دهد و البته پیشرفت چندانی در کار علم نخواهد بود. دانش در یک زمینه باید به گونه‌ی زنجیره‌ای در نظر گرفته شود که هم‌زمان دانه‌های تازه بر آن توسط پژوهشگران افزوده می‌شود و هر کجای آن نیاز به اصلاح دارد، اصلاح شود تا استواری محتوا حفظ گردد. کار نقد آثار، وظیفه‌اش این است که آثار را چکش‌کاری کند و زمینه را برای بهبودی آن فراهم سازد. توجه اشخاص با معرفی آن آثار به علم جدید جلب شود و به این ترتیب، قدم‌های تازه‌ای در آن علم برداشته گردد. بسیاری از پژوهشگران ممکن است نتوانند دانه‌ی جدیدی بر آن بیفزایند یا عجلتاً ملزم به انجام آن نباشند؛ اما درباره‌ی آنچه گفته شده است، منتقد باشند. این مسئله نیز فی حد نفسه کار مستقلی است؛ اینکه نهادی و مجله‌ای و مؤسسه‌ای باشد که اشتباهات و ضعف‌های کارهای موجود در یک زمینه را به دیگران گوشزد کند، بسیار ارزش است. کار سازمان استاندارد همین است که به روند کار تولید در هر زمینه، نظارت انتقادی در مسیر بهبودی داشته باشد و مرتب از خرابی‌های قبلی و فعلی گزارش دهد و در ضمن بگوید اصول یک کار خوب در چیست. از وقتی حوزه‌ی قم تأسیس شد، «ردیه نویسی» علیه دیگران فراوان داشتیم که البته ضمن آن ممکن بود نقدهای علمی هم باشد؛ اما اصولاً ردیه نویسی بر اساس نوعی روش جدلی در بحث است که اصول خاص خود را دارد. آنچه مشکل داشتیم، انتقاد به محتوای کتاب‌ها و مقالاتی بود که خودمان تولید می‌کردیم. مشکل این بود که کسی نبود به ما بگوید انجام دادن یک کار علمی درجه یک، چه لوازمی دارد و چه مسائلی را باید مورد توجه قرار داد. این طور نبود که وقتی کتابی منتشر می‌کردیم، درباره محاسن و معایبش به طور جدی بحث کنیم. تقریباً می‌نوشتیم؛ اما فقط تعریف می‌کردیم و هم‌زمان نقد محتوا و شکلی کتاب را نداشتیم. میان مجلاتی که در دهه شصت و بعد از آن در قم انتشار می‌یافت، مجله‌ی نقد نداشتیم؛ در حالی که همان وقت کتاب‌های زیادی منتشر می‌شد که از نظر روش تحقیق، نگارش و حتی ویژگی‌های شکلی مشکلات فراوانی داشت و نقد نمی‌شد. خاطر هست میانه‌ی دهه

شصت، هم در مجله «حوزه» هم «نور علم» نقدها و معرفی‌هایی به برخی از کتب تازه انتشار یافته منتشر شد؛ مقالات جالبی هم بود؛ اما تأثیر آنها محدود بود. به نظرم همان مقالات و فضایی که ایجاد شد، آقای مهدوی راد و دوستان همراه ایشان را به این سمت و سوسو برد که باید مجله‌ای ویژه نقد کتاب در کار باشد. این فضا را مجله «نشر دانش» هم در ذهن این دوستان ایجاد کرده بود. مدتی بود که نقد کتاب‌های اسلامی در «نشر دانش» هم شروع شده بود؛ اما آن مجله که یکی از افتخارات تاریخ مجله داری در ایران است، ویژه این قبیل مطالعات نبود. اکنون و در این شرایط مجله «آینه پژوهش» وظیفه بسیار خطیری را عهده دار شد که ظهور آن نوید عصر تازه‌ای را در امر نگارش می‌داد. آنچه اتفاق افتاد، البته صرفاً در حیطه نقد نبود، بلکه «اخبار کتاب» و فعالیت در حوزه کتاب‌شناسی هم بود. با این حال، وظیفه اصلی آن ایفای نقشی مانند سازمان استاندارد در حوزه مطالعات اسلامی بود؛ به همین دلیل نیاز است تا درباره این مجله و نقش آن دست‌کم پایان‌نامه‌ای نوشته شود. «آینه پژوهش» به صورت خاموش بسیاری از نویسندگان را به این سمت و سوسو برد که مراقب نوشته‌های خود باشند؛ زیرا تیغ نقد می‌تواند حیثیت علمی آنها را خدشه دار کند. لاجرم در امر نگارش دست‌کم به اموری که در نقدها روی آنها تمرکز می‌شد، توجه بیشتری می‌کردند. دوستی می‌گفت من زمانی نقدی به یکی از کتاب‌های انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین) نوشتم که در «آینه پژوهش» منتشر شد. چندی بعد در نمایشگاه کتابی آقای فاکر-مدیر انتشارات- هم بود که من را نمی‌شناخت. همان‌جا در حالی که کتاب‌ها را می‌دید، به دیگری گفت مدتی قبل نقدی برای یکی از کتاب‌های ما منتشر شد که سبب شد بیشتر حواس‌مان را جمع کنیم. نباید این نمونه‌ها اندک باشد.

● باور من این است که مجله «آینه پژوهش» یک جنبه آموزشی مهمی در کار تحقیق و نگارش داشت و در این رسالت خود موفق بود. اگر بخواهم این نکته را باز کنم، باید عرض کنم یک مسأله و مشکل مهم آموزشی-پژوهشی در قم و حتی ایران این است که نسبت مستقیمی بین آموزش، منابع و مواد آموزشی ما با آنچه یک نویسنده در حوزه تحقیقاتی خاص به آن می‌پردازد، وجود نداشت. فرض کنید ده درصد از آثار تألیفی دینی در آن وقت ارتباط مستقیم با تاریخ اسلام داشت؛ اما رشته‌ای با این عنوان دست‌کم در قم وجود نداشت. این ارتباط البته تا حدی در حوزه فقه و فلسفه در کار بود؛ اما فرض کنید اگر کسی تصحیح متون می‌کرد، در هیچ کجا آموزش نمی‌دید. این افراد باید در کجا آموزش می‌دیدند؟ روشن است که آنان باید از روی دست دیگران نگاه می‌کردند و جزء به جزء با زیرکی و هوش خود آموزه‌های لازم را می‌آموختند. طبعاً به این روش نمی‌شد اعتماد کرد؛ آنچه در کلاس درس وزیر نظر استاد می‌گذرد، اگر استاد، استاد باشد، بسیار بهتر و حرفه‌ای‌تر است. با این حال فکر می‌کنم بعد از انقلاب در تهران و قم، جبران کمبود آموزش‌ها را با ایجاد مؤسسات پژوهشی و تجربه کاری-مانند دایرة المعارف بزرگ یا دانش‌نامه جهان اسلام و ده‌ها

مؤسسه دیگر- و همین طور مجلاتی مانند «آینه پژوهش» دنبال کردیم. بسیاری از اشخاص اطراف این قبیل مجلات نویسنده و پژوهشگر می شدند. مخاطب در هر شماره از مجله «آینه» می توانست با یک تاسه چهار مقاله نقد آشنا شود؛ این مقالات می توانست در نقد یک کتاب یا حتی یک مدخل دایرة المعارفی باشد. این نقد حتی اگر از لحاظ محتوایی به کار پژوهشگر مربوط نمی شد؛ اما از نظر روش نقد و ایرادگرفتن برای علاقه مند به پژوهش بسیار سودمند بود؛ از قبیل اینکه چگونه باید نوشت؟ چه ضعف هایی در نوشته های جاری وجود دارد؟ چگونه می شود ارجاعات را دقیق تر کرد؟ چرا باید عناوین درست برای کتاب هایمان انتخاب کنیم؟ اشکالات و ایرایشی مادر کجاست؟ چگونه می شود یک استدلال را جواب داد یا تکمیل کرد؟ و ده ها مسئله دیگر که مخاطب می توانست با مرور بر هر شماره «آینه پژوهش» با آنها آشنا شود و در کارهای جاری خود تا آنجا که ممکن است رعایت کند. البته نباید نقد را صرفاً ایرادگرفتن معنا کرد، بلکه بیان جنبه های مثبت هم در این قبیل مقالات، به همان اندازه راهگشا بود که بیان ایرادها می توانست تأثیر بگذارد. جالب است که در «آینه» بارها درباره آداب نقد مطالبی منتشر شد و این کمک می کرد تا نقدها هم مسیر بهتری را بروند.

● میان مجلات گذشته ما، کمتر مجله ای است که یک حوزه معرفتی در جمعی علمی با علایق مشترک ایجاد کند. در واقع می توانم بگویم از این زاویه می شود مجلات را دو بخش کرد؛ دسته ای که یک حوزه معرفتی ایجاد می کنند و افرادی را از نویسندگان و خوانندگان در ارتباط با یکدیگر قرار می دهند و نوعی اشتراک گذاری فکری- علمی را نسبتاً به طور منظم و در یک حوزه مشخص یا با یک رویه معین دنبال می کنند. دوم مجلاتی که صرفاً انبان اطلاعاتی هستند که در مقالات آنها عرضه می شود و فایده آنها البته در جای دیگری و در آینده و در وقت مراجعه و نیاز ظاهر می شود. در واقع مجلاتی مانند مجله «حوزه» در قم، نوعی حوزه معرفتی ایجاد کرده بود؛ تشکلی ورای آن بود که روش مشخصی در نگارش داشت و مطالعه کنندگان که البته عامه و نه لزوماً نخبگان بودند، تحت تأثیر یک سوبه آن قرار داشتند. می توانم بگویم مجله «حوزه» به نوعی روش «مکتب اسلام» پیش از انقلاب را داشت؛ آن مجله هم نوعی حوزه معرفتی داشت، ضمن آنکه انعکاس نظرات شماری از نویسندگان شهرستانی هم بود؛ اما «آینه پژوهش» هم به لحاظ اینکه محور آن نقد و معرفی کتاب بود هم انسجامی که از نظر نویسندگان از ابتدا داشت، نیز به این دلیل که مطالعه کنندگان آن غالباً اهل قلم و علاقه مندان به نوشتن و تحقیق بودند، یک حوزه معرفتی را میان این جماعت فراهم آورده بود. این حوزه معرفتی عمومی نبود و اتفاقاً از این رو که تخصصی بود، بهتر بود. این افراد غالباً با هم در ارتباط بودند؛ نویسندگانی که به داشتن افکاری برجسته و ویژه شناخته می شدند، حساسیت های علمی شان در تحقیق روشن و بر ملا می شد. نویسندگان «آینه» گویی یک خانواده را- تا حدی- تشکیل می دادند و مطالعه کنندگان هم مقالات آنان را

می‌دیدند و درباره آنها یا دست‌کم زبده آنها با همدیگر مشاوره داشتند. در واقع می‌توان گفت مجله «آینه پژوهش» نوعی انجمن علمی در حوزه کتاب و اخبار کتاب و نقد کتاب ایجاد کرده بود. افزون بر مقالات، مخاطبان ویژه از آخرین کتاب‌ها آن هم با یک گزارش نسبتاً خوب از محتوای آن آشنا می‌شدند. اگر کتاب شایسته‌ای انتشار می‌یافت، در جریان قرار می‌گرفتند و اگر اثر ضعیفی منتشر می‌شد، حتی اگر قیافه جالبی یا اسم دهن‌پرکنی داشت، خبردار می‌شدند. در واقع «آینه پژوهش» یک مجله خبری-علمی قابل توجه در کلاس نخبگان نویسندگان مسلمان ایرانی این دوره بود که طبعاً محدودیت‌های خاص خود را هم داشت. در شماره‌های قدیمی‌تر، کمتر از مطالعات فرنگی خبر می‌داد و بیشتر در حوزه مطالعات فارسی و عربی پیش می‌رفت؛ اما اکنون قدری بهتر شده است. این ضعف عموم نشریات ایرانی بوده و هست؛ اما به هر حال و در کل، در کلاس نخبگان ایرانی کاری بایسته و شایسته بوده و هست.

● «آینه پژوهش» از همان آغاز و بر اساس اساسنامه‌ای که داشت، تنها یکی از وظایفش نقد کتاب بود؛ وظایف دیگر او اخبار کتاب و طرح مسائلی بود که به حوزه کتاب اسلامی مربوط می‌شد. این توجه راهی را فراروی «آینه پژوهش» باز کرد تا بتواند مروری بر کتاب‌های مهم از نویسندگانی صاحب ایده داشته باشد؛ حتی بسیاری از نخبگان فرصت و حوصله خواندن یک کتاب را به طور کامل ندارند و منتظرند کسی گزارش دقیقی از آن ارائه دهد. اکنون شما می‌توانید با دادن یک گزارش دقیق از محتوای آن، ذهن مخاطبان را با مهم‌ترین ایده‌های طرح‌شده در این کتاب‌ها آشنا نمایید و او را حساس کنید. با گزارش شما او در خواهد یافت آیا نکته‌ای در این کتاب هست که در ادامه کارهایش مورد نیاز او باشد یا نه. بدین ترتیب شمار قابل توجهی مقاله‌گزارشی و همین‌طور گزارش‌های مفصل و کوتاه از آثاری که در این حوزه نوشته می‌شد، در مجله انتشار می‌یافت و راه را برای توسعه مطالعات هموار می‌کرد. بسیاری از این گزارش‌های متوسط که در مجله نوشته می‌شد، کار خود آقای مهدوی‌راد بود که اطمینان می‌توان بگویم از نادر افرادی است که در قم آگاه از نشر کتاب‌های تازه است. معاشرت سالیان با وی به بنده ثابت کرده است که او بیش از هر کس دیگری - تا جایی که من می‌دانم - درباره نشر کتاب‌های اسلامی وقوف دارد؛ به گونه‌ای که تقریباً همیشه بنده و دوستان در مقابل او کم می‌آوریم. آخرین خبرها از انتشار کتاب‌ها و مهم‌تر از آن حافظه او در یادداشتن از کارهایی که قبلاً در این حوزه‌ها شده، در اختیار اوست. تهیه غالب آن کتاب‌ها توسط خود او و در نتیجه کتابخانه شخصی بی‌ظنیش، مؤید همین نگاه است که عرض کردم؛ اما این تمام داستان نیست، او واقعاً یکی از کتابخوان‌های حرفه‌ای است که از محتوای کتاب هم آگاه است. بیشتر مجلاتی را که اطلاعاتی درباره کتاب‌ها دارند، مانند «بخارا» را از اول تا آخر می‌خواند و کم‌تر روزی است که سری به کتابفروشی‌ها نزند. بدین ترتیب و با این تسلط، وقتی بخش گزارشی مجله را تدوین می‌کرد، به خوبی از عهده کار برمی‌آمد و می‌توانست راهنمای

مخاطبان باشد. میان گزارش‌هایی که از یک کتاب نوشته می‌شد یا به عبارت بهتر یک کتاب در یک مقاله، مهم‌ترین نکته‌اش همین بود و آقای مهدوی‌راد هم همیشه این را تأکید می‌کرد که نکات تازه و ایده‌های اصلی آن کتاب درج شود تا دیگران به آسانی با کلیات نظرات طرح شده در آنها آشنا شوند. این خود نوعی ترویج علم و یکی از راهکارهای اصلی برای ترویج کتاب میان مردم است.

● یکی از مهم‌ترین مسائل «نقد کتاب»، «اخلاق نقد کتاب» و حاشیه‌های آن است که امری عادی اما حساس است. وقتی شما قلم به دست می‌گیرید و کتابی را به لحاظ شکلی یا محتوایی نقد می‌کنید، معنایش این است که می‌گویید اشتباهاتی دارد یا می‌توانست بهتر از این باشد. این مسئله ممکن است خشم نویسنده یا مصحح و مترجم و ناشر کتاب را در پی داشته باشد و بسته به ادب و اخلاق و نفوذ و جایگاه خود به مقابله برخیزد؛ البته محتمل هم هست که آدم بسیار آرام و متین و علمی باشد و نامه‌ای هم به شما بنویسد یا ایمیلی بفرستد و تشکر کند و اشتباهات خودش را بپذیرد؛ همین‌طور محتمل است در مواردی ناقد اشتباه کرده باشد و متوجه نکاتی نشده باشد که آن وقت نویسنده پاسخ خواهد داد. اینها پیامدهای انتشار یک نقد است. آقای مهدوی‌راد خودش این نقدها را نگاه می‌کند و اگر زمینه نشر دارد، یعنی از حداقل‌های یک نقد خوب برخوردار است، اجازه انتشارش را می‌دهد؛ با این حال اصل این کار یک شهامت می‌خواهد. انتشار نقدها نه تنها برای نویسنده نقد، بلکه از جهاتی و مهم‌تر برای سردبیر مجله دردسرساز است. می‌دانیم که قم با ادبیات ردیه‌نویسی آشنا بود و خودش برای دیگران نقد می‌نوشت؛ اما آنها نقد دینی و مذهبی بود، اینجا بحث دیگری است. بحث این است که وقتی برای نمونه یک ترجمه قرآن نقد می‌شود، اشتباهات ترجمه‌ای و ادبی آن گوشزد می‌شود. همین‌طور در تصحیح، بدخوانی‌ها مورد انتقاد قرار می‌گیرد. به هر حال و با توجه به مجموعه مسائلی که در این قسمت هست، می‌توان گفت بحث ادب نقد یا اخلاق نقد کتاب موضوع فوق‌العاده مهمی است که بسیاری شعارش را می‌دهند، اما در عمل تاب نمی‌آورند. کسی که باید این هزینه را می‌پرداخت، بیش از همه سردبیر است که باید از حیثیت خودش و مجله دفاع کند و این کار بسیار سختی است. در واقع سردبیر با انتشار هر نقدی باید برابر این پیامدها قرا گیرد و آنها را تحمل کند. آقای مهدوی‌راد باید داستان‌های زیادی در این باره داشته باشد؛ حاشیه‌هایی که برای بسیاری از مقالات نقدی پدید آمده است و ایشان بایستی پاسخ‌گوی آنها می‌بود و آقای مهدوی‌راد در این باره به خوبی از عهده این امر برمی‌آید؛ اولاً به دلیل دانش و تخصصی که ایشان داشت و مسائل را به خوبی تشخیص می‌داد. دیگر اینکه او در مواردی که تردید داشت، مقالات نقدی را به افرادی می‌داد تا چک کنند و بعد منتشر شود. افزون بر این اصرار داشت تا آنجا که ممکن است تعابیر زنده و تندی در کار نباشد؛ البته گاه تیتراهای تند هم در کار بود و با ظاهری ادیبانه و گزنده با برخی از آثار مفتضح برخورد می‌شد. همه جای دنیا مرسوم است که اگر استادی بعد از سال‌ها کتابی منتشر کند که ایرادهای جدی داشته باشد، نقد

کتابش می تواند روی سرنوشت موقعیت دانشگاهی شخص تأثیر بگذارد؛ اما به نظرم در ایران به ندرت این تأثیر روی استادانی که استخدام رسمی شده اند وجود دارد؛ هرچند ممکن است در سرنوشت برخی از کسانی که در مسیر استخدام هستند، اثر بگذارد. من فداکاری و گذشت آقای مهدوی را در دفاع از تحقیق و علم می ستایم و آگاهم او که وضع شکننده ای هم در این سه دهه از نظر استخدام و موقعیت شغلی داشت، هم به لحاظ مواضع سیاسی و دلبستگی هایش هم از لحاظ مواجه شدن با دیگران، در کار نشریه «آینه پژوهش» صراحت خویش را حفظ کرد و کمتر تسلیم شد. همان طور که اخلاق نقد را هم تا آنجا که تشخیص داد، رعایت کرد. خوشبختانه امروز بعد از بیش از سه دهه از انتشار این نشریه، ما در حوزه نقد وضع بهتری داریم؛ هم آستانه تحمل اشخاص بالا رفته است؛ حتی اگر نویسنده ای نقد شد و برخورد تندی داشت، کسی از او حمایت جدی نخواهد کرد؛ چون نقد در جایگاه حقی رسمی شناخته شده است. صد البته باید گفت برخی از آثار چنان خوبند که حتی اگر چند اشکال پژوهشی و تصحیحی و لغوی و ارجاعی به آنها باشد، همچنان اعتبار خود را دارند. اینها جدای از آثاری هستند که از اساس ویران اند و نقدهای ویران کننده ای هم آنها را به کلی از میدان بیرون می کند. خاطریم هست وقتی دوستی یکی از مجلدات کتاب «اسفار» از چاپ جدیدش را نقد کرده بود و بیش از هفتاد غلط در سه صفحه آن نوشته بود، کسی از یاران آن مصحح نوشته بود این سه صفحه در ابتدای کتاب متأسفانه از دست در رفته است؛ ناقد مزبور سه صفحه دیگر را هم بررسی و باز اغلاط فراوانی از آن گرفت. آقای مهدوی را در روی انصاف، پاسخ نقدها را هم اغلب منتشر می کرد و گاهی این کار تا چند نقد و نامه ادامه می یافت؛ اما وقتی احساس می شد ادامه بی فایده است، اعلام آتش بس می داد. اینکه سی و اندی سال بحران خاصی در این همه نقد و جواب پیش نیامد، نشان از شخصیت اعتدالی آقای مهدوی را است که هیچ گاه به هدف تخریب کسی کار نکرد و صرفاً کتاب و نقد کتاب برایش مهم بود. این را هم باید بیفزایم که بزرگی یک نویسنده و حتی وجود رفاقت آقای مهدوی را با او، هیچ گاه سبب نشده است که آقای مهدوی را نقد آثار او را کنار بگذارد. به هر حال اتفاق می افتد که بزرگی هم در تصحیح یک اثر بزرگ اشتباهاتی داشته باشد و منتقدی چه استاد باشد چه دانشجو، نقطه نظرانی درباره آن داشته باشد. در سنت نقد «آینه پژوهش» چنان که مرحوم افشار هم در «راهنمای کتاب» همین روش را داشت، به هیچ روی ملاحظه کاری در کار نبوده است. در بسیاری از موارد می بینیم آثار نویسندگان و مصححان برجسته، نقدهای جانانه ای خورده است؛ این را نیز باید بخشی از اخلاق مثبت نقد کتاب در «آینه» دانست.

● «آینه پژوهش» بخشی از تاریخ سی و اندی ساله تفکر در حوزه علمی قم است. ما از هر زاویه نگاه کنیم، این مجله به دلیل رویکردی که به اخبار کتاب و آرای مکتوب دارد، صرف نظر از اخباری که درباره اشخاص به صورت شرح حال دارد یا کتاب شناسی هایی که منتشر شده یا ویژه نامه هایی

که برای برخی از رویدادهای مهم انتشار داده، از همه این زوایا، منبع مهمی برای تاریخ تفکر در حوزه علمی قم است. ناگفته پیداست که همه ما گرفتار نوعی خودسانسوری هستیم و آنچنان شفافیتی نداریم که بتوانیم خود را آینه تمام‌نما و روشن تحولات و عمق آنها بدانیم؛ اما مجله «آینه» در این باره قابل مقایسه با هیچ نشریه دیگری نیست. مقصودم نشان دادن جریان‌های فکری در نوشته‌ها و آثار مذهبی است. البته برای این کار منابع دیگری هم وجود دارد؛ اما نکته مورد نظر مقایسه این نشریه با مطبوعه‌های دیگر است. مجلات دیگر چنان که اشاره شد، غالباً مجموعه مقالات اند و البته اگر موضوعی باشند، بسیار خوب و در وقت حاجت مورد نیازند. مجله «حوزه» برای ترویج اندیشه‌های خاص خود در دهه شصت و بخشی از دهه هفتاد رویکردهای مشخص داشت؛ همین‌طور مجله «پیام زن» به دلیل توجهش به یک موضوع خاص از این زاویه نشریه‌ای مهم بود؛ اما «آینه» از هر حیث برای فهم مسائلی که در این سه دهه و اندی در قم و حوزه مطالعات مذهبی گذشته، آینه است.

● «آینه پژوهش» برخلاف «مکتب اسلام» که پس از انقلاب افت کرد، همیشه رو به اصلاح و تعالی بوده است. نمی‌خواهیم بگویم از هر جهت، اما مدیریت آن همواره تلاش کرده است همگام با تحول در نوشتن و مقاله پیش برود. نکته‌ای را که دنبال نکرده و به نظر کار خوبی هم کرده، این است که به هیچ‌روی به سمت تبدیل شدن آن به مجله علمی-پژوهشی به معنای جدید آن نرفته است؛ هر شماره مجله را که نگاه می‌کنم، خدای را شکر می‌کنم که این کار صورت نگرفته است؛ زیرا هیچ‌کدام از مقالات با این ساختار مطابق معیارهای موجود در مجلات علمی-پژوهشی نیست و باید کنار گذاشته می‌شد. بحث نقد مجلات مزبور نیست، بلکه نظرم بر این است که آنها اهداف دیگری دارند و این قبیل مجلات مانند «آینه» که امروزه بسیار کم شده‌اند، مدل و اهداف دیگری دارند. شما می‌توانید شماره‌های اخیر را که پی‌دی‌اف آن همان روز انتشار و حتی قبل از نسخه کاغذی آن منتشر می‌شود، ملاحظه بفرمایید و تصدیق کنید که این مقالات چه نسبتی با مقالات درج شده در مجلات مورد نظر دارد. اساساً دایره نقد در آن مجلات به ندرت راه دارد و مقالات بلند که در اینجا گاه تا چند پنجاه صفحه یا بیشتر می‌رسد، در آنها راهی ندارد؛ گزارش‌های علمی کوتاه اما بسیار مهم از نظر آنان اساساً صورت مقاله ندارد و موارد دیگر که جای درج آنها در اینجا نیست. جز آنچه گذشت، می‌توانم بگویم مجله «آینه» همواره رو به رشد و همگام شدن با وضع روز بوده است. معنای این حرف آن است که هر کسی از اهل فن که با این مجله آشناست و نسلی از پژوهشگران که به تدریج وارد جرگه نگارش و تحقیق شده‌اند و پیش از این هم در سایه این نوع مقالات رشد یافته‌اند، همچنان علاقه‌مند به خواندن این مقالات هستند. از نظر صوری و ظاهری هم مجله کیفیت خاص خود را دارد و متناسب با استانداردهای روز مجلات، بلکه از جهاتی بهتر عرضه می‌شود. در این باره به‌ویژه در دوره‌ای که آقای اسماعیل مهدوی همراه پدرا داره مجله را بر

عهدہ گرفتہ، بہ حکم «الولد سزاییہ» با دقت و خوش ذوقی کہ دارد و با وجود وضع مالی بد، مجلہ را بہ گونه ای آبرومند در آورده است؛ البتہ کہ باید یکسرہ بہ فکر رشد و بہبودی مجلہ بود. ہمیشہ آفت کهنگی در کمین علمی است کہ باید رشد کند. باید راه های تازه ای برای تحول اندیشید و اجازہ نداد مجلہ پیرشود. دعوت از نسل جدید اہل پژوهش برای نگارش مقالہ، جستجو میان کتاب های بازارش برای معرفی و نقد و افزودن بخش های تازه کہ ہموارہ مدنظر مہدوی ہا بودہ، باید مورد توجہ باشد. حقیقتاً افتخاری است کہ یک نشریہ در ایران سی سال واندی دوام آورد و این افتخاری برای حوزہ قم است کہ فرصت تأسیس و تداوم این نشریہ را فراہم کردہ است.

مکہ، ۱ تیرماہ ۱۴۰۲

